

## جنگ ۲۰۲۲ اوکراین و تاثیر آن بر سیاست روسیه در منطقه آسیا

عباس خندان

کارشناس خبره وزارت امور خارجه. abbas.khandan46@gmail.com

### چکیده

جنگ در اوکراین، اگرچه به لحاظ ژئوپلیتیک، جنگ شمال-شمال و اروپا-محور به شمار می آید، اما در عمل درگیری «قدرت جهانی» است که حول محور فروپاشی پیش بینی شده هژمونی جهانی ایالات متحده متمرکز شده و آشکارا صلح آمریکایی را به چالش می کشد. در چنین شرایطی نگرش، رفتار و عملکرد بازیگران درگیر در جنگ، پیامدهای مهمی می تواند برای آینده سیاست جهانی در پی داشته باشد. بهره گیری از این روش، نگارندگان مقاله برای این باورند که چهار سناریو در سه دسته بندی می توان مطرح نمود: الف) سناریوی مطلوب از منظر روسیه؛ ائتلاف سیاسی - نظامی روسیه و چین؛ مهار آمریکا و ناتو و تغییر قواعد بازی بین المللی؛ ب) سناریوی محتمل؛ الف) توافق صلح (با بازیگری کشورهای چین، چین، ترکیه، اسرائیل، فرانسه) و تغییر نظم ساختار نظام بین الملل، ب) تداوم جنگ و استمرار تنش در نظم بین المللی؛ ج) سناریوی ممکن؛ وقوع جنگ هسته ای. یافته های پژوهش نشان می دهد که جنگ اوکراین به عنوان نقطه عطف/محورک بر نظم بین الملل تأثیرگذار بوده و پساجنگ اوکراین، نظام بین الملل وارد عصر جدیدی خواهد شد. تأثیر این جنگ در سطح بین الملل، قطبی شدن بیش از پیش امنیت بین الملل و ژئوپلیتیک تر شدن سیاست بین الملل خواهد بود. این جنگ همچنین، سبب تقویت موقعیت رهبری ایالات متحده در سطح جهان، به هزینه شرکای اروپایی شده است.

واژه های کلیدی: جنگ، اوکراین، روسیه، آسیا

## مقدمه

ژئوپلیتیک به عنوان یکی از نظریات تبیین کننده منازعات بین المللی رویکردی است در سیاست بین الملل که سعی دارد رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی را بر حسب محیط طبیعی توضیح دهد. اهمیت اوکراین به عنوان یکی از بین‌المللی‌ترین کشورهای جهان به واسطه ویژگی‌های «ژئوپلیتیک»، «ژئواستراتژیک» و «ژئواکونومیک» باعث شده تا این منطقه را به یکی از مهم‌ترین محورهای رقابت میان روسیه و آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل مبدل سازد. تلاش‌های آمریکا و غرب برای گسترش ارزش‌های غربی و ترویج دموکراسی در اوکراین، به عضویت در آردن اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا همگی نشان از جد کردن این کشور از مدار روسیه دارد. لذا از آن جایی که هر یک از دو طرف به شیوه‌ای متفاوت عمل می‌کنند، نمی‌توان پایانی برای مناقشه کنونی بین روسیه و غرب به رهبری آمریکا متصور شد. از طرفی با وجود اهمیت و جایگاه اوراسیا در نظریه‌های ژئوپلیتیک نمی‌توان هویت ژئوپلیتیک مجزا و ثابتی را برای این منطقه در قرن بیست و یکم در نظر گرفت. حفظ بی طرفی سیاسی اکثر کشورهای اوراسیا و قفقاز، با به رسمیت نشناختن واقعی موقعیت روسیه در اوکراین و تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه، بر دستور کار اقتصادی و سیاسی منطقه و همچنین آن تأثیر خواهد گذاشت. ابتکارات ادغام کشورهای مستقل اوراسیا و قفقاز در معرض تغییرات بزرگی هستند. حتی کشورهای خارج از اتحادیه اوراسیا (ازبکستان، تاجیکستان، گرجستان، آذربایجان و تا حدی ترکمنستان) با چالش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مواجه خواهند شد. بنابراین، چشم انداز آینده ادغام اوراسیا و توسعه رویدادها در آینده بسیار مرتبط می‌شود. اکثر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز هنوز نمی‌توانند موضع خود را در قبال اقدامات نظامی کرملین در اوکراین به وضوح و آشکارا اعلام کنند. رای گیری در مورد قطعنامه سازمان ملل در ۲ مارس ۲۰۲۲ بسیار نشانگر است: تنها گرجستان در محکومیت حمله روسیه به اوکراین شرکت کرد. نمایندگان ارمنستان و چندین کشور آسیای مرکزی - قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان - رای ممتنع دادند، در حالی که نمایندگان آذربایجان، ازبکستان و ترکمنستان اصلاً رای ندادند. با توجه به محرومیت عملی روسیه از تجارت بین المللی، کشورهای آسیای مرکزی می‌توانند از موقعیت جغرافیایی خود استفاده کنند. آنها می‌توانند کریدورهای لجستیکی و کسب و کار جدیدی برای توسعه کشورهای خود ایجاد کنند. بدیهی است که قزاقستان به احتمال زیاد به یک چهره کلیدی در ادغام کشورهای منطقه تبدیل خواهد شد. قزاقستان و آذربایجان قبلاً در مورد تسریع توسعه مسیر حمل و نقل بین المللی ترانس خزر گفتگو کرده اند و سفیر قزاقستان حتی شرکای اروپایی را از گردش کالاهای قزاقستانی بدون وقفه از طریق بندر روتردام در ارتباط با عملیات نظامی در اوکراین مطلع کرده است. به گفته تحلیلگران، مسیر حمل و نقل ماوراءالنهر پتانسیل انتقال ۱۰ میلیون تن بار یا ۲۰۰ هزار کانتینر را دارد. قزاقستان می‌تواند به نجاتی برای آینده ادغام اوراسیا تبدیل شود. در طول هر سه دهه پس از فروپاشی شوروی، روسیه نقش بسیار مهمی در تضمین ثبات و امنیت اقتصادی و سیاسی در اوراسیا ایفا کرده است. جنگ در اوکراین و پیامدهای آن منجر به بازنگری در نقش و دخالت روسیه در مشکلات منطقه خواهد شد. در مارس ۲۰۲۲، روسیه صادرات غلات و شکر به کشورهای اوراسیا را ممنوع کرد. تحویل مواد غذایی در خارج از روسیه، همانطور که در فرمان دولت روسیه آمده است، فقط برای ارائه کمک‌های بشردوستانه و حمل و نقل بین المللی ترانزیت، یعنی به مناطقی که روسیه در حال حاضر حمایت «بشردوستانه» خود را ارائه می‌دهد، امکان پذیر خواهد بود. امروزه آشکار است که ثبات پول ملی و اقتصاد کشورهای اتحادیه اوراسیا وارد دوران آزمایشات جدی شده است. برای اطمینان از ثبات مالی، قرقیزستان و قزاقستان قبلاً صادرات شمش و ارز طلا و نقره را به میزان ۱۰۰۰۰ دلار به طور رسمی محدود کرده اند.

برای حفظ یکپارچگی اقتصادی، کشورهای منطقه به دنبال بهترین راه حل در قلمرو اتحادیه اوراسیا هستند. قرقیزستان آسیب پذیرترین موقعیت را دارد. اول اینکه روسیه بزرگترین شریک تجاری جمهوری قزاقستان است. سهم واردات روسیه در بازار قرقیزستان بیش از ۳۰ درصد است. ثانیاً بیش از ۸۸۴۰۰۰ شهروند قرقیزستان در روسیه کار می‌کنند. بنابراین، جای تعجب نیست که قرقیزستان ابتکار عمل را برای تبدیل به تجارت به روبل در دست گرفت. با این حال، حتی انتقال به تجارت با روبل نیز نمی‌تواند مشکلات قرقیزستان و اتحادیه اوراسیا را در دراز مدت حل کند. فرآیندهای ادغام سیاسی در اوراسیا برای مدت طولانی متوقف شده است و به نظر می‌رسد که ادغام اقتصادی در EAEU نیز کمتر برای کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا

مرتبط باشد. جست‌وجوی و معرفی مسیرهای صادراتی جدید از کشورهای اوراسیا به غرب، دور زدن روسیه، که کشورهای غربی تحریم‌های اقتصادی گسترده‌ای را علیه آن اعمال کرده‌اند و کاهش مداوم ارزش روبل، کمیسیون مبادلات ارزی که توسط دولت روسیه معرفی شده است، از جمله موارد دیگر است. چیزهایی می‌توانند به عواملی تبدیل شوند که در فروپاشی EAEU نقش دارند. با چنین تحولی، روبل روسیه دیگر ارز نقدی برای تجارت در اتحادیه اوراسیا نخواهد بود. روسیه دیگر کشور پذیرای مهاجران کارگری نخواهد بود. بیشتر ۲,۴ میلیون شهروند تاجیکستان ممکن است ترک کنند. ۴,۵ میلیون شهروند ازبکستان؛ ۸۸۴۰۰۰ شهروند قرقیزستان؛ ۱۶۳ هزار شهروند قزاقستان؛ ۷ هزار شهروند ترکمنستان؛ ۲۴۰۰۰۰ شهروند اوکراین؛ ۱۷۴۰۰۰ شهروند بلاروس امروز در روسیه کار می‌کنند. همه این افراد به استثنای شهروندان اوکراین، بلاروس و ترکمنستان مجبور خواهند شد روسیه را ترک کرده و به کشورهای مبدا خود بازگردند. مشکلات جدی به قرقیزستان و تاجیکستان وارد خواهد شد که به ترتیب ۳۰,۱ درصد و ۲۷,۸ درصد از تولید ناخالص داخلی آنها شامل وجوه ارسالی از مهاجران کارگری، عمدتاً از روسیه است. بیکاری و فشار جمعیتی در کشورهای آسیای مرکزی به ویژه ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان به طرز باورنکردنی افزایش خواهد یافت که می‌تواند منجر به افزایش نارضایتی، اعتراضات اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در منطقه شود. چنین چالش‌های داخلی در کشورهای منطقه، همراه با تضعیف روسیه، منجر به فرآیندهای دگرگونی بزرگ و کاهش علاقه به هر شکلی از ادغام، از جمله EAEU خواهد شد.

چشم‌انداز منطقه‌ای استراتژیک کنونی اوراسیا تحت تسلط تهاجم روسیه به اوکراین است که اساساً نظم جهانی را با پیامدهایی در سطوح ژئوپلیتیک، امنیتی، اقتصادی و بشردوستانه تغییر داده است. در عین حال، جنگ پیامدهای عمده‌ای برای نظم سیاسی و امنیتی در منطقه اوراسیا خواهد داشت. در طول سه دهه گذشته، روسیه تلاش‌های هماهنگی برای حفظ نفوذ سیاسی، امنیتی و اقتصادی در جمهوری‌های شوروی سابق اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی انجام داده است. این پژوهش پیامدهای جنگ ۲۰۲۲ در اوکراین را برای کل منطقه اوراسیا ارزیابی می‌کند. این پژوهش به بررسی تأثیر جنگ بر قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان می‌پردازد و در عین حال موقعیت روسیه در منطقه را با توجه به جنگ در اوکراین رمزگشایی می‌کند. تهاجم روسیه به اوکراین باعث ایجاد یک سری تحریم‌ها از سوی کشورهای غربی و بسیاری دیگر شده است که پیامدهای گسترده‌ای برای مدتی آینده خواهد داشت، حتی در سناریوی غیرمحتمل پایان نسبتاً سریع جنگ. تأثیر جنگ و رژیم تشدید تحریم‌ها بر اقتصاد جهانی و زنجیره‌های تأمین در حال حاضر قابل توجه بوده است، اما پیامدهای بلندمدتی بر ژئواکونومیک آسیا و تجارت شرق و غرب خواهد داشت که نیازمند بررسی دقیق‌تر است. اصطلاح ژئواکونومیکس اغلب برای اشاره به اقتصادهایی که برای اهداف امنیت ملی ابزاری هستند استفاده می‌شود. در اینجا، از این اصطلاح به طور خاص برای اشاره به نحوه استفاده کشورها از جغرافیا برای دستیابی به جاه طلبی‌های اقتصادی خود در پرتو مسائل مربوط به امنیت استفاده می‌کنیم. از این نظر، در این پژوهش ژئواکونومیک را تعامل بین اقتصاد و ژئوپلیتیک می‌دانیم. همچنین استدلال می‌کنیم که سه روند مرتبط و متقاطع وجود دارد که با تهاجم روسیه به اوکراین و توالی سریع بی‌سابقه تحریم‌های غرب علیه مسکو که نقشه‌های تجاری در آسیا را دوباره ترسیم کرد، ایجاد خواهد شد. در نهایت، ایران ذینفع اصلی این تغییرات خواهد بود.

پل زمینی جدید اوراسیا و BRI چین:

دو پیامد اول ارتباط نزدیکی با این واقعیت دارد که جنگ در اوکراین و تحریم‌های اقتصادی مرتبط با آن انسداد قابل توجهی را در رابطه با پل زمینی جدید اوراسیا (NELB) ایجاد کرده است. در حالی که پکن ابتکار یک کمربند و یک جاده (BRI) خود را در رمز و راز جاده ابریشم باستانی استوار می‌کند، مسیر زمینی اصلی خود به بازارهای هدف خود در اروپای غربی از NELB می‌گذرد که از آسیای مرکزی و روسیه می‌گذرد تا به قاره اروپا برسد. این مسیر به قدری مهم است که مقامات چینی در گذشته نگران انکای بیش از حد به روسیه برای نیازهای لجستیکی خود بودند. اکنون این ترس‌ها پیش‌بینی‌کننده به نظر می‌رسند. همانطور که بسیاری از کارشناسان اشاره کرده‌اند، مسیر NELB به طور فزاینده‌ای مشکل‌ساز شده است. مسائل امنیتی ناشی از جنگ به کناره، تحریم‌های غرب کار با روسیه را به طور فزاینده‌ای دشوار کرده است. شرکت‌های

لجستیکی بزرگ حتی قبل از اینکه تحریمها مجبور به خروج از روسیه شوند، از روسیه خارج شدند، و کشورهای اروپایی مانند لهستان و اوکراین که زمانی آرزوی قطبهای کلیدی NELB را داشتند، از روابط اقتصادی با مسکو اجتناب کردند و از تحریمها حمایت کردند زیرا نیازهای امنیتی را در اولویت قرار می‌دهند. همه این عوامل باعث می‌شود که چین به سمت لایه پایینی «کمربند» که از ایران می‌گذرد، به طور فزاینده‌ای ضروری باشد. این مسیر عمدتاً به دلیل تحریمهای اقتصادی عمده اعمال شده بر ایران در طول اکثریت قریب به اتفاق حیات BRI با چالشهای مختلفی روبرو بوده است. در حالی که دولت چین مایل است از بسیاری جهات، دستورات واشنگتن مبنی بر عدم تعامل اقتصادی با ایران را زیر پا بگذارد، بخش خصوصی چین و حتی شرکت‌های بزرگ تحت حمایت دولتی که اکثر منابع مالی BRI را تامین می‌کنند، از فشار تحریمها مصون نیستند.

کشورهای آسیایی برای مسیرهای تجاری شرق به غرب به ایران نگاه می‌کنند:

روند دوم که ارتباط تنگاتنگی با انسداد NELB دارد، افزایش فعالیت لجستیکی سایر کشورهای آسیایی به ویژه آسیای مرکزی و جنوب آسیا برای رسیدن به بازارهای هدف خود در غرب از طریق ایران است. طی چند ماه گذشته، فعالیت‌های زیادی پیرامون گسترش دسترسی تجاری با ایران و کشورهای شرق آن وجود داشته است. این امر با جاه‌طلبی‌های دولت رئیسی برای گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سراسر آسیا و توجه بیشتر به روابط دیپلماتیک با آسیای مرکزی تقویت می‌شود، موضوعاتی که محافظه‌کاران اغلب دولت قبلی روحانی را به نادیده گرفتن آن متهم می‌کردند.

نگاه روسیه به شرق و INSTC است:

سومین و شاید ناشناخته‌ترین روند، استراتژی «نگاه به شرق» خود روسیه برای کاهش اثرات تحریمها از طریق تنوع بخشیدن به تجارت خود به دور از اقتصادهای غربی است که به نظر می‌رسد به طور فزاینده‌ای علاقه‌مند به تسلیح کردن وابستگی متقابل هستند. در حالی که مسیر روسیه به چین یا آسیای مرکزی ساده است، مسیر زمینی آن به هند، شریک تجاری کلیدی که از پیوستن به ائتلاف تحریمهای غربی امتناع کرده است، بسیار پیچیده‌تر است. هند که عمدتاً در خشکی توسط دشمنان پاکستان و چین احاطه شده است، باید از طریق دریا قابل دسترسی باشد. در حالی که تجارت هند و روسیه عمدتاً از طریق دریا انجام می‌شود و از طریق کانال سوئز سفر می‌کنند، نبود مسیر مستقیم‌تر می‌تواند به آسیب‌پذیری تبدیل شود، به‌ویژه در محیط سیاسی پر فشار فعلی.

این امر اهمیت کربدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) را افزایش می‌دهد که از قفقاز عبور می‌کند تا روسیه را به بندرعباس ایران در تنگه هرمز متصل کند، که از آن نقطه یک مسیر دریایی کوتاه‌تر به هند در دسترس است. این نه تنها زمان ترانزیت کالاهای حمل شده بین هند و روسیه را به شدت کوتاه می‌کند، بلکه از مسیرهای دریایی باریکی که به طور بالقوه در معرض انسداد سیاسی هستند نیز جلوگیری می‌کند. به عنوان مثال، چین به طور مشهور نگران اتکای بیش از حد به تنگه مالاکا برای تجارت دریایی خود است. اگر نیاز فزاینده بسیاری از کشورهای آسیایی و روسیه منجر به گسترش تامین مالی و استفاده از این مسیرهای تجاری مختلف شود، ایران می‌تواند به یک قطب بزرگ تجارت جهانی تبدیل شود. به خصوص اگر مذاکرات کنونی منجر به از سرگیری لغو تحریمها بر اساس توافق هسته‌ای بازسازی شده ایران شود، سرمایه‌گذاری و منافع تجاری احتمالاً به طور چشمگیری افزایش می‌یابد. روسیه همچنین تمایل خود را برای استفاده از INSTC برای اتصال به پاکستان ابراز کرده است. این پیامدهای مهمی برای پروژه BRI دارد.

در حالی که صحبت در مورد "آسیا" در چین طنین انداز است و به طور مکرر در بیانیه‌های دولت چین ذکر می‌شود، مهم‌ترین مناطق برای BRI، مناطق فرعی کلیدی در خارج از کشور نزدیک چین بوده است: آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرقی. در ادبیات دانشگاهی، پروژه‌های BRI در این مناطق اغلب به طور جداگانه و با شرایط خاص خود صحبت می‌شود. اما مقامات چینی با مشاهده پتانسیل اقتصادی قابل توجه و مکمل تجاری بین سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و مناطق خود در آسیای جنوبی و مرکزی، به نظر می‌رسد به طور فزاینده‌ای به ارتباطات بین این دو علاقه‌مند هستند. تلاش‌های اخیر چین برای ایجاد یک مسیر تجاری از طریق افغانستان که بعید به نظر می‌رسد به دلیل مسائل امنیتی و

حاکمیت اقتصادی قابل دوام باشد، بر این علاقه تأکید می‌کند. در حال حاضر، این دو منطقه از طریق یک مسیر طاقت فرسا از غرب چین به هم متصل شده‌اند. این امر به ویژه با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری‌های چین در پاکستان عمدتاً در استان بلوچستان غربی پاکستان و بندر گوادر واقع شده است که در فاصله کوتاهی با مرز ایران قرار دارد، در حالی که بیشتر جمعیت و پتانسیل اقتصادی آسیای مرکزی در ازبکستان و قزاقستان است. که با دریای خزر هم مرز است.

مسیر ترانزیتی بسیار منطقی تر از شرق ایران است. این مسیر اکنون به دلیل علاقه روسیه به اتصال INSTC به پاکستان در موقعیتی قرار دارد که توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند. هنوز موانع بزرگی بر سر راه ایران برای دستیابی به هدف خود برای تبدیل شدن به یک قطب تجاری کلیدی وجود دارد که مهمترین آنها از سرگیری لغو تحریم‌ها تحت برنامه جامع اقدام مشترک است. اما ایران همچنین به برنامه ریزی استراتژیک و استراتژی برای تبدیل مسیرهای تجاری به کریدورهای اقتصادی نیاز دارد که بتواند به نفع شهروندان خود باشد. اگر تهران بتواند از پس این چالش برآید، نقشی کلیدی در توسعه تجارت آسیا و شرق و غرب خواهد داشت.

### تأثیر تحریم‌ها بر روی افراد

تحریم‌ها علیه افراد از آغاز جنگ ۲۰۲۲ به طور چشمگیری گسترش یافته است. ایالات متحده به تنهایی حدود ۲۶۰۰ نفر روسی، بلاروسی و اوکراینی را به دلیل مشارکت یا حمایت از جنگ تحریم کرده است. افراد تحریم شده از ورود به کشورهای غربی منع شده و دارایی‌های آنها مسدود شده است. هدف از این محدودیت‌ها مجازات گروه‌های خاصی از مردم به دلیل دخالت در تخلفات حقوقی محسوس و ایجاد انگیزه برای تقویت جریان‌های داخلی مخالف با ایجاد فاصله‌گیری نخبگان سیاسی و تجاری از رژیم و عدم حمایت عمومی است.

با در نظر گرفتن این ملاحظات، تحریم‌های فردی تا کنون چه تاثیری داشته است؟ در طول سال گذشته، بسیاری از سرمایه‌داران تحریم‌شده، که عمدتاً از گروهی لیبرال‌تر از دوران یلتسین می‌آیند، مانند پتر آون، یک صنعت‌گر روسی و یکی از مالکان آلفا بانک، همواره از موقعیت اجتماعی از دست رفته خود شکایت کرده‌اند. اولگ تینکوف، بانکدار میلیاردر دیگر، در اینستاگرام «عملیات نظامی ویژه» را به عنوان «جنگ دیوانه» محکوم کرد، در حالی که الیگارش‌های دیگر، میخائیل فریدمن، تهاجم به اوکراین را «یک تراژدی» خواند. چندین الیگارش‌های سابق باشگاه فوتبال چلسی، رومن آبراموویچ، کمک خود را - علنی یا پشت درهای بسته - در میانجی‌گری مذاکرات برای اوکراین و غرب در ازای اجتناب از تحریم‌ها ارائه کرده‌اند.

برخی از نشانه‌های کمتر آشکار ممکن است نشان دهنده تأثیر مؤثر تحریم‌های فردی باشد. به عنوان مثال، به نظر می‌رسد بسیاری از سلبریتی‌های روسی تا حدودی تمایلی به ارتباط علنی با رویدادهای مرتبط با جنگ ندارند. در سپتامبر ۲۰۲۲ تنها چند خواننده شناخته شده در کنسرتی که پوتین برای جشن الحاق چهار منطقه اوکراین به روسیه برگزار کرد، شرکت کردند و ستاره‌های جوان‌تر و محبوب‌تر تصمیم گرفتند در این کنسرت اجرا نکنند. این در تضاد با مشارکت قبلی سلبریتی‌های معروف در کنسرت‌های سازماندهی شده توسط کرملین است که به الحاق کریمه اختصاص یافته بود. با این حال، تحریم‌های فردی، تا کنون، منجر به اختلافات عمده در نخبگان روسیه نشده است. از زمان اعمال تحریم‌ها، تعداد کمی از نخبگان مرتبط با روسیه پوتین به طور جدی تلاش کرده‌اند خود را از این سیستم جدا کنند.

به طور کلی، به نظر نمی‌رسد که کمپین تحریم‌های فردی در سال گذشته باعث ایجاد شکاف در سیستم کرملین شده باشد. به جای خروج از سیستم، سازماندهی علیه آن، یا ابراز علنی مخالفت خود با جنگ، تغییر عمده مشهود این است که نخبگان تحریم شده روسیه به جای اتحادیه اروپا تعطیلات خود را در ترکیه، امارات متحده عربی و دبی می‌گذرانند. اگر ناراضی یا دسیسه‌کاری توسط الیگارش‌های ناراضی انجام می‌شود، پشت درهای بسته و به دور از چشم عموم انجام می‌گیرد. در حالی که به نظر می‌رسد پوتین چندان نگران چشم انداز تضعیف رژیم خود توسط الیگارش‌های ناراضی نیست، او در هفته‌های اول جنگ هشدار عمومی برای کسانی که منافعی در غرب دارند، صادر کرد. این هشدار پس از آن صورت گرفت که تعدادی از الیگارش‌ها علناً از جنگ انتقاد کردند.

در شرایط موجود حتی کسانی که با خط رسمی مخالف هستند، وحشت زده، اتمیزه و منزوی می‌شوند، زیرا دیگران همچنان از پوتین حمایت می‌کنند. بنابراین مخالفان بالقوه فاقد توانایی سازماندهی و اعمال فشار بر پوتین هستند و حتی ممکن است توانایی خروج از سیستم را نداشته باشند. در چنین شرایطی، حداقل در حال حاضر، به نظر می‌رسد که رضایت از وضع موجود راهبرد غالب آنها باشد.

محدودیت‌های فردی ممکن است بر محاسبات نخبگان تأثیرگذار باشد. مهم‌تر از همه، این محدودیت‌ها به عنوان ابزار مهمی برای کاهش قدرت کرملین در جامعه یورو-آتلانتیک از طریق مسدود کردن دسترسی الیگارش‌های همسو با پوتین و دیگران به بازارهای غربی عمل می‌کنند. علاوه بر این، الیگارش‌ها اغلب توسط سازمان‌های اطلاعاتی غربی به عنوان منابع بالقوه اطلاعات در مورد روسیه و کرملین مورد هدف قرار گرفته‌اند.

در آینده، احتمالاً تحریم‌های فردی ممکن است گسترش یابد تا نه تنها نخبگان روسیه، بلکه خانواده‌های آنها را نیز که اغلب در اروپا اقامت دارند، هدف قرار دهد. علاوه بر این، اتحادیه اروپا و ایالات متحده در حال بررسی امکان لغو تابعیت الیگارش‌های مرتبط با پوتین که ممکن است بررسی‌های امنیتی معمول را دور زده باشند، هستند. به عنوان مثال، تعدادی از الیگارش‌های روسی عملاً تابعیت اتحادیه اروپا را از طریق قبرس خریداری کردند.

### پیشینه تحقیق

آستور و همکاران (۲۰۲۲)، تهاجم روسیه به اوکراین: ارزیابی تأثیرات انسانی، اقتصادی و مالی در کوتاه مدت و میان مدت پرداختند. اثرات اقتصادی جنگ اوکراین برای اوکراین، روسیه و بقیه اروپا چیست؟ در این مطالعه، مؤسسه مطالعات اقتصادی بین‌المللی وین (wiiw) از یک سو به پیامدهای فوری و همچنین تغییرات ساختاری میان‌مدت ناشی از بزرگترین درگیری مسلحانه در اروپا پس از جنگ جهانی دوم اشاره می‌کند. حمله روسیه به اوکراین یک بحران انسانی را آغاز کرده است. قبل از جنگ، تقریباً ۱۹ میلیون نفر در مناطقی زندگی می‌کردند که در حال حاضر مستقیماً تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. ورود پناهنجویان به بقیه اروپا احتمالاً حداقل سه برابر بیشتر از سال ۲۰۱۵/۲۰۱۶ خواهد بود. از آنجایی که بنادر دریای سیاه مورد حمله روسیه قرار می‌گیرند، اوکراین توانایی خود را برای فروش بیش از نیمی از صادرات خود، عمدتاً کالاهای کشاورزی و فلزات، از دست داده است. حمایت مالی غرب با ادامه جنگ اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. با توجه به روسیه، تحریم‌ها تأثیر بسیار جدی بر اقتصاد و بخش مالی آن کشور خواهد داشت. بانک مرکزی علی‌رغم اینکه بخش بزرگی از دارایی‌های ذخیره روسیه در اتحادیه اروپا و گروه ۷ مسدود شده است، تا حدی با مشکل مواجه شده است، اما بانک مرکزی موفق شد با ترکیبی از اقدامات اعتمادساز و سختگیرانه، بازارهای مالی را تثبیت کند: کنترل سرمایه، کنترل FX، تسهیل مقررات برای موسسات مالی و دو برابر شدن نرخ سیاست کلیدی. چشم انداز میان مدت و بلندمدت منفی است. در نتیجه جنگ و تحریم‌ها، بقیه اروپا با افزایش تورم در حال حاضر بالا روبرو هستند. این بر درآمدهای واقعی تأثیر می‌گذارد و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. بسیاری از کشورهای اروپایی برای واردات نفت و گاز به شدت به روسیه متکی هستند: سهم واردات در چک، لتونی، مجارستان، اسلواکی و بلغارستان در رابطه با گاز طبیعی بیش از ۷۵ درصد است. اسلواکی، لیتوانی، لهستان و فنلاند در رابطه با نفت و نفت؛ و قبرس، استونی، لتونی، دانمارک، لیتوانی، یونان و بلغارستان با توجه به سوخت جامد. به غیر از انرژی، پیامدهای تجارت برای بقیه اروپا احتمالاً اندک خواهد بود. پیوندهای تجاری و سرمایه‌گذاری غیر انرژی بین روسیه و بسیاری از کشورهای اروپایی از سال ۲۰۱۳ از اهمیت خود کاسته شده است. در نتیجه تهاجم روسیه به اوکراین، چهار حوزه اصلی تغییر ساختاری و تأثیر پایدار برای اتحادیه اروپا (و اروپا به طور گسترده‌تر) وجود دارد. اول، اتحادیه اروپا در مورد دفاع جدی‌تر خواهد شد. دوم، انتقال سبز سرعت خواهد داشت. سوم، ادغام اقتصادی اوراسیا گسترده‌تر خواهد شد. و چهارم، چشم انداز الحاق به اتحادیه اروپا برای کشورهای جنوب شرقی اروپا می‌تواند (و باید) بهبود یابد.

سامول و همکاران (۲۰۲۲)، تحریم‌های ناشی از جنگ اوکراین علیه روسیه: عواقب بر اقتصادهای در حال گذار پرداختند. ما سرریزهای تحریم‌های اقتصادی غرب علیه روسیه را به بیست و هفت اقتصاد در حال گذار اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای مرکزی و شرقی تجزیه و تحلیل می‌کنیم. این سرریزها برحسب تأثیر آنها بر تجارت دوجانبه و سرمایه‌گذاری‌های

مستقیم برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۸ اندازه گیری می شوند. ما یک مجموعه داده جدید برای تعیین کمیت هر قسمت از تحریم های غرب/ایالات متحده علیه روسیه می سازیم. از مدل های جاذبه تجارت دوجانبه و سرمایه گذاری مستقیم استفاده شده و تحلیل داده ها با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی شبه حداکثر درستنمایی پواسون انجام شده است. ما تخمین می زنیم که تحریم های غرب و ایالات متحده علیه روسیه به کشورهای کوچک شخص ثالث سرایت کرده است. این تحریم ها منجر به کاهش قابل توجه صادرات از اقتصادهای در حال گذار، واردات روسیه به اقتصادهای در حال گذار و سرمایه گذاری مستقیم روسیه به اقتصادهای در حال گذار شد. جالب توجه است که سرمایه گذاری مستقیم به روسیه از سوی اقتصادهای در حال گذار در همان دوره به شدت افزایش یافته است. برآوردهای کمی از سرریزها تغییرات تجمعی زیر را نشان می دهد. به دلیل یک نوع تحریم تحمیلی (مثلاً علیه یک فرد، نهاد یا بخش) هر قسمت از وسترن/ایالات متحده. تحریم منجر به کاهش شاخص های فوق در محدوده ۱۰,۹-۳۰,۵ میلیون دلار / ۵,۶-۱۶,۹ میلیون دلار صادرات از اقتصادهای در حال گذار، ۳,۳-۱۷,۷ میلیون دلار / ۳,۳-۹,۸ میلیون دلار روسیه شد. واردات به اقتصادهای در حال گذار و ۳,۴-۹,۴ میلیون دلار / ۱,۷-۵,۲ میلیون دلار سرمایه گذاری مستقیم روسیه به اقتصادهای در حال گذار. سرمایه گذاری مستقیم به روسیه از اقتصادهای در حال گذار به ترتیب ۱۰,۹-۳۰,۶ میلیون دلار / ۵,۷-۱۷ میلیون دلار افزایش یافته است.

کوکولا و همکاران (۲۰۲۲)، سیستم امنیتی اوراسیا: چارچوبی مقدماتی برای درک روابط نوظهور چین و روسیه پرداختند. روابط بین چین و روسیه در طول دهه بعد با سرعتی سریع توسعه یافت. چین و روسیه همکاری خود را در حوزه های اقتصادی، سیاسی و امنیتی سخت افزایش داده اند تا جایی که بسیاری از تحلیلگران دو کشور را در آستانه یک اتحاد نظامی قانونی می بینند. در واقع، در فوریه ۲۰۲۲ - درست چند هفته قبل از تهاجم روسیه به اوکراین - چین و روسیه بیانیه مشترکی منتشر کردند که در آن ادعا کردند که روابط آنها نمایانگر یک "شراکت بدون محدودیت"، برتر از اتحادهای سبک جنگ سرد و بدون "مناطق ممنوعه همکاری" است. (بیانیه مشترک) بحث ها و گمانه زنی ها در مورد روابط چین و روسیه پس از تهاجم روسیه تشدید شده است زیرا حمایت چین از تلاش های جنگی روسیه ثابت شده است و گمانه زنی ها در مورد کمک نظامی چین به روسیه افزایش یافته است.

هو و همکاران (۲۰۲۲)، تأثیر جنگ اوکراین بر دیپلماسی کره جنوبی در آسیای مرکزی پرداختند. حمله روسیه به اوکراین تأثیرات سیاسی و اقتصادی در آسیای مرکزی دارد. از نظر سیاسی، اولاً، کشورهای آسیای مرکزی همکاری خود را با قدرت های منطقه ای همسایه مانند هند، ترکیه و ایران تقویت خواهند کرد تا امنیت سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند. دوم، در حالی که نفوذ چین در آسیای مرکزی افزایش می یابد، سازمان همکاری شانگهای سازمان همکاری اقتصادی بیشتری خواهد بود. سوم، جهت آینده منطقه گرایی آسیای مرکزی نامشخص خواهد بود. اگرچه بعید است، اما اگر ازبکستان رفتار ضد روسی نشان دهد، منطقه گرایی در آسیای مرکزی ممکن است ضعیف شود. چهارم، بعید است که پس از جنگ اوکراین، نقش ایالات متحده دوباره در آسیای مرکزی گسترش یابد. از نظر اقتصادی، اولاً، احتمال تضعیف جایگاه و نیروی مرکزگرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا بسیار زیاد است. دوم، اگر سیاست انرژی ضد روسیه اروپا تقویت شود و سیاست های انرژی سبز تسریع شود، سیاست های انرژی تجدیدپذیر کشورهای تولیدکننده انرژی کربن محور آسیای مرکزی مانند قزاقستان به ویژه می تواند تسریع شود. ثالثاً، اگر موانع لجستیکي TSR پابرجا باشد، زیرساخت لجستیکي بای پس که به جای روسیه از طریق هند، ایران، پاکستان و غیره به آسیای مرکزی می رود، فعال می شود. به نظر می رسد تغییر دیپلماسی کره به سمت آسیای مرکزی به یک سطح مشخص برای پیوند ارگانیک دیپلماسی مبتنی بر ارزش و استراتژی های امنیت اقتصادی اجتناب ناپذیر است. در این زمینه، ابتدا باید راهبردهای دیپلماتیک موجود و سیاست های همکاری اقتصادی در قبال آسیای مرکزی از گرایش به نگرستن کشورهای آسیای مرکزی تنها به عنوان حوزه نفوذ روسیه رها شود. ثانیاً، در شرایطی که همکاری اقتصادی کره و روسیه به دلیل تحریم های غرب علیه روسیه و درگیری های ژئوپلیتیکی ناگزیر به شدت محدود شده است، تقویت همکاری های اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی به عنوان ابزاری برای دور زدن همکاری های اقتصادی با روسیه ضروری است. ثالثاً، احتمال تضعیف سیاست شمالی دولت های جدید به دلیل تهاجم روسیه به اوکراین وجود دارد و در نتیجه ممکن است همکاری

با کشورهای آسیای مرکزی نیز کاهش یابد. حفظ و توسعه پلت فرم همکاری دولت قبلی با کشورهای آسیای مرکزی ضروری است.

بوت و همکاران (۲۰۲۲)، شکل دادن به بازار گاز اوراسیا: ژئوپلیتیک تنظیم بازار انرژی پرداختند. توصیف مشترک روابط انرژی خارجی اتحادیه اروپا (EU) و روسیه به عنوان لیبرال در مقابل واقع گرایانه، تلاش های هر دو نهاد برای شکل دادن به مقررات بازار انرژی در همسایگی مشترکشان را برآورده نمی کند. هدف این مقاله کمک به درک مقررات انرژی به عنوان ابزاری برای نفوذ استراتژیک با بررسی از منظر ژئوپلیتیکی است که چگونه اتحادیه اروپا، روسیه و تا حدی چین تلاش می کنند تا قیمت گذاری گاز و رژیم های دسترسی به خط لوله را در دوران پس از شوروی شکل دهند. فضای اوراسیا تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیکی همگرایی نظارتی در منطقه به درک این که چگونه مفاهیم لیبرال تنظیم انرژی هنگام صدور به حوزه های نفوذ مورد مناقشه، با پیامدهای مهم برای مشروعیت و مقبولیت این مدل های نظارتی، عملکردی استراتژیک پیدا می کنند، کمک می کند. اتحادیه اروپا، روسیه و چین اصول مشترک تنظیم بازار گاز را در سطح داخلی به رسمیت می شناسند، اما ملاحظات ژئوپلیتیکی که با جنگ در اوکراین تشدید شده است، مانع از اجرای این اصول در سطح منطقه می شود و مانع از انتقال این همسایگی مورد مناقشه به سمت کارآمدتر می شود. سیستم های انرژی و کاهش وابستگی به منابع روسیه.

### بحران اوکراین، وضعیت راهگذارهای آسیایی و فرصت های ایران

بعد از جنگ اوکراین، اهمیت راهگذر (کریدور) میانی شامل کانال زنگزور مضاعف شده است و این موضوع می تواند تهدیدی برای ایران، کشورهای آسیای میانه، روسیه و حتی هند تلقی شود. فعال سازی فوری راهگذار (کریدور) شمال- جنوب با همکاری ایران، روسیه، هند و کشورهای آسیای میانه مهمترین اقدام برای مهار این تهدید خواهد بود. یکی از جنبه های مهم جنگ اوکراین، اثرات بلندمدت این جنگ بر وضعیت ژئواکونومیک منطقه آسیاست. تا قبل از جنگ اوکراین، راهگذار (کریدور) شمالی که چین را به مسکو و از آنجا به اروپا وصل می کرد، مهمترین و به صرفه ترین راهگذار (کریدور) آسیا-اروپا فرض می شد و سایر کریدورهای رقیب، به ویژه راهگذار میانی که از کشورهای آسیای میانه و همینطور میانه دریای خزر عبور می کرد، بعنوان مسیر مکمل و عمدتاً با اهداف ژئواستراتژیک و سیاسی و به منظور پیوند دادن چین و ترکیه به کشورهای آسیای میانه مطرح بود. مهمترین مشکل این مسیر در مقایسه با راهگذار شمالی که عمدتاً مبتنی بر حمل و نقل ریلی است، عبارت بودند از: مسیر ترکیبی ریلی-دریایی و زمینی (جاده ای)، ضعف ساختارهای زیربنایی مسیر و محدودیت ظرفیت و همچنین ملاحظات سیاسی ناشی از نگرانی از سیطره تک قطبی چین بر کشورهای آسیای میانه.

با این حال بعد از شروع بحران اوکراین، اهمیت راهگذار میانی به سرعت در حال افزایش است و طی یکسال گذشته ترافیک بار و کالا از راهگذار میانی به ۳٫۲ میلیون تن در سال ۲۰۲۲ رسیده است که تقریباً تمامی آن از سهم راهگذار شمالی کاسته شده و تا یکسال قبل از آن تصور چنین رشدی بسیار دشوار بود. این مسیر نگرانی های جدی برای کشورهای روسیه، آسیای میانه و حتی هند در رقابت با چین ایجاد کرده است. روسیه نگران دور زده شدن در تجارت آسیا-اروپا و کاهش نقش راهبردی راهگذار شمالی است که بخش اصلی آن از خاک روسیه می گذرد. بعلاوه روسیه آسیای میانه را بعنوان حیات خلوت خود می داند و از سیطره چین بر این مناطق از طریق سرمایه گذاری و استفاده از بدهی ها بعنوان ابزار سلطه سیاسی نگران است. برخی کشورهای آسیای میانه هم با این نگرانی روسیه شریک هستند و بعلاوه ترجیح می دهند راههای دسترسی خود به اروپا و بنادر آبهای آزاد متنوع کنند. هند هم که سال هاست به دنبال ارتباط با آسیای میانه و روسیه از طریق ایران است و دهه هاست در رقابت ژئواستراتژیک با چین است، از واگذاری صحنه به رقیب نگران هستند. به ویژه بعد بحران اوکراین که مبادلات هند و روسیه افزایش چند برابری داشته است، اهمیت این اتصال مضاعف شده است. آمریکایی ها هم از این راهبرد هند حمایت می کنند و هند را بعنوان موازنه کننده نفوذ چین در آسیای میانه، خلیج فارس، خاورمیانه و ... می دانند.

ایران هم که سال هاست خود را مسیر اصلی ترانزیتی شمال به جنوب و دسترسی کشورهای آسیای میانه به خلیج فارس تعریف کرده است، نگران از دست دادن مزیت های خود توسط راهگذار میانی است و این راهگذار را رقیب اصلی راهگذار بین المللی ترانزیتی شمال- جنوب یا INSTC می داند. بعلاوه اهمیت یافتن راهگذار میانی، باعث شده است که تلاش های ترکیه،



آذربایجان (و احتمالا چین) برای اجرای پروژه دالان زنگه زور و اقتصادی و کوتاه کردن مسیر راهگذار میانی بعد از جنگ اوکراین چند برابر شود که ارتباط زمینی ایران و ارمنستان را قطع و اهمیت ایران در پیوند دادن نخجوان با بقیه سرزمین‌های جمهوری آذربایجان را کاهش خواهد داد. رقابت‌ها و ملاحظات ژئواستراتژیک ایران هم در این منطقه مکمل ترجیحات ژئواستراتژیک کشورمان هستند و به همین جهت رونق یافتن مسیر راهگذار میانی در جهت منافع کشور تلقی نمی‌شود و در صورت برنامه ریزی و اهتمام ویژه ایران و سایر کشورهای همسوس، می‌توان جلوی این موضوع را گرفت.

راهگذارمیانی، علی‌رغم تبلیغات و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از مشکلات فراوانی در برابر راهگذار شمال و همینطور مسیر ترانزیتی شمال-جنوب رنج می‌برد. ساختارهای زیربنایی بسیاری از کشورهای مسیر یادشده، توسعه نیافته و ناکافی هستند و توسعه آنها زمانبر و هزینه‌بر است و تامین مالی آن دشوار می‌نماید. بعلاوه چندگانه بودن مسیر(ریلی، دریایی، جاده‌ای) هزینه و زمان را نسبت به مسیرهای موجود یا احتمالی جایگزین بالا برده است. از طرف دیگر، تعداد نسبتا زیاد کشورهای مسیر و تعرفه‌های جداگانه و بعضا بالا، از مشکلات دیگر راهگذارمیانی است. از همه این‌ها مهمتر این که در مورد علاقه سیاسی تمامی کشورهای مسیر به تکمیل و تقویت این مسیر در صورت عملیاتی شدن مسیرهای جایگزین به ویژه راهگذارشمال-جنوب تردید جدی وجود دارد؛ به ویژه این که این کشورهای دارای اختلافات سیاسی و فرهنگی با همدیگر هم هستند. در نهایت هم این که با وجودی که چین به ویژه بعد از بحران اوکراین، این راهگذار را حامدانه تقویت کرده است، ولی در مورد این که تا چه حد می‌خواهد مسیر استقلال از اتکا به روسیه را جلو ببرد هم تردید وجود دارد. یک ملاحظه دیگر چین هم تمایلات پان‌ترکیستی ترکیه در قفقاز و آسیای میانه است که تا سین کیانگ چین امتداد دارد و چین نسبت به آن حساسیت و تحفظ دارد. همه این‌ها حکایت از این دارد که اگر ایران، روسیه و هند با همکاری کشورهای آسیای میانه در فعال سازی و ظرفیت سازی فوری راهگذار شمال-جنوب اهتمام فوری داشته باشند، می‌توانند در دستاوردهای مهم راهبردی و اقتصادی این مسیر شریک شوند.

مزیت اصلی کردیدور شمال-جنوب این است که مسیر سنتی ۱۱۰۰۰ کیلومتری از طریق کانال سوئز را به کمتر از ۷۰۰۰ کیلومتر تقلیل می‌دهد و هزینه‌ها و زمان ارسال محموله‌های را بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش خواهد داد. این توافق ابتدا در سال ۱۳۷۹ بین سه کشور ایران، روسیه و هند حاصل شده است و طی دو مرحله ۱۰ کشور دیگر شامل آذربایجان، ارمنستان، قزاقستان، بلاروس، بلغارستان، ترکیه، عمان، قرقیزستان، تاجیکستان و اوکراین به آن پیوستند. با این وجود و علی‌رغم گذشتن سیزده سال، متأسفانه این راهگذار هنوز بصورت عملیاتی در نیامده است که یکی از دلایل اصلی آن در کنار عدم جدیت و کم‌علاقگی کشورهای عضو توافق، این بوده که ایران به تنهایی بار سنگین سرمایه‌گذاری و تکمیل شبکه ریلی مسیر را در این سالها بدون مشارکت و سرمایه‌گذاری دیگر کشورهای عضو بر عهده گرفته و به همین خاطر هنوز قطعه ۱۶۰ کیلومتری راه آهن رشت-آستارا تکمیل نشده است. با شروع بحران اوکراین و افزایش بی‌سابقه مبادلات روسیه و هند، ارزش راهگذار شمال-جنوب برای دیگر اعضا و به ویژه برای دو کشور روسیه و هند افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت و علاوه بر تعیین نمایندگان ویژه از سوی دو کشور، روسیه تعهد تکمیل قطعه رشت-آستارا را با سرمایه‌گذاری ۱,۶ میلیارد یورو تقبل نموده که در صورت تحقق، گامی بلند در جهت عملیاتی کردن این راهگذار خواهد بود. البته زمان اعلام شده چهارساله برای ساخت این قطعه، به نظر طولانی می‌آید.

مسیر دیگری که آسیا و اروپا را به هم وصل می‌کند و برای چین اهمیت زیادی دارد، راهگذار سی پک است که کاشغر در استان سین کیانگ چین را از مسیر زمینی به بندر گوآدر در پاکستان و در ۱۷۰ کیلومتری بندر چابهار ایران وصل می‌کند. هرچند سی پک سالها پس از راهگذار شمال-جنوب مطرح و اجرایی شد، ولی عملیات اجرایی و همینطور سرمایه‌گذاری در آن بسیار سریع تر و وسیع تر از عملیات اجرایی مسیر شمال-جنوب در حال پیشرفت است. علاوه بر چینی‌ها، کشورهای حاشیه خلیج فارس شامل امارات، قطر و عربستان سرمایه‌گذاری‌های سنگینی را در بندر گوآدر اعلام کرده‌اند.

هرچند مقامات ایرانی، بندرهای چابهار و گوآدر را رقیب همدیگر نمی‌دانند و طرح احداث راه آهن ۱۷۰ کیلومتری بین دو بندر را پیشنهاد داده‌اند، ولی نگرانی‌هایی درباره تحت الشعاع قرار گرفتن اهمیت مسیر ترانزیتی ایران و راهگذار شمال-جنوب

ابراز شده است. اولین آن احتمال تسری طرح سی پک به افغانستان و آسیای میانه است. به ویژه بعد از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و روی کار آمدن طالبان، این موضوع بیش از گذشته جدی شده است و موجبات نگرانی برخی کشورهای داخل و خارج منطقه را فراهم کرده است. نگرانی دوم، اتصال سی پک، به راهگذار میانی و تضعیف بیش از پیش راهگذار شمالی و همینطور راهگذار شمال-جنوب است. همچنین تسلط بر منطقه آسیای میانه که قبلاً در بخش نگرانی‌ها نسبت به رونق راهگذار میانی به آنها اشاره شد.

یک راهگذار دیگر که بعنوان مسیر مکمل سی پک می‌تواند مسیر شمال-جنوب (و همینطور راهگذار شرقی-غربی ایران) را تحت الشعاع قرار دهد، راهگذار یا ابتکار کانال خشک است که طی مسیری ۱۲۰۰ کیلومتری، بندر فاو در خلیج فارس را به ترکیه و از آنجا به اروپا و سوریه از طریق راه آهن و همینطور جاده وصل می‌کند. مجریان این پروژه اعلام کرده اند که تا سال ۲۰۲۵ آنرا عملیاتی خواهند کرد. این راهگذار در واقع مکمل بندر گوادر و مسیر سی پک بوده و چین را بدون نیاز از عبور از کانال سوئز به اروپا وصل می‌کند. این مسیر نیز یکی از رقبای اصلی مزیت های ترانزیتی ایران خواهد بود. مسیرهای تهدیدکننده مزیت های ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران به سرعت در اطراف ایران در حال پیشرفت هستند و مسابقه آنها با زمان است. هر پروژه ای بتواند سریع تر عملیاتی و اقتصادی شود، پیشرفت مسیرهای رقیب را تحت تاثیر قرار خواهد داد. جنگ اوکراین (که زمان پایان آن معلوم نیست) باعث شده است برخی کشورهای شریک ایران در راهگذار شمال-جنوب، به ویژه روسیه و هند علاقه مند به سرمایه گذاری و عملیاتی کردن سریع تر این مسیر شوند؛ لذا شایسته است با حداقل کردن موانع اداری و بوروکراتیک و منافع کوتاه مدت سازمانی و گروهی، تمامی دستگاههای مرتبط برای کمک به راه اندازی این مسیر دست به دست هم دهند و آن را اجرایی نمایند. با پایان بحران اوکراین، تضمینی برای ادامه این علائق نیست و کشور زمانی برای از دست دادن ندارد.

### نتیجه گیری

حمله نظامی روسیه به اوکراین پیامدهای عمیقی نه تنها برای خاورمیانه، بلکه برای جهان نیز داشته است. روابط سیاسی-امنیتی دو کشور تحت تاثیر این جنگ قرار گرفته است. از زمان آغاز عملیات نظامی روسیه در اوکراین، تهران منطق مسکو را برای این حمله پذیرفته و حمایت سیاسی خود را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نشان داده است، اما ایران در حمایت کامل از این جنگ محتاط بوده است. رویکرد ایران در قبال جنگ اوکراین از دو جهت حائز اهمیت است. اولاً جهت گیری ایران به سمت این جنگ بر روابط تهران با مسکو تأثیر می گذارد. دوم اینکه این جهت گیری منافع ایران در نظام بین الملل را تحت تأثیر قرار می دهد.

### منابع

- Astrov, V., Grieveson, R., Kochnev, A., Landesmann, M., & Pindyuk, O. (2022). Possible Russian invasion of Ukraine, scenarios for sanctions, and likely economic impact on Russia, Ukraine, and the EU. wiiw Policy Note/Policy Report No. 55. <https://wiiw.ac.at/possible-russian-invasion-of-ukraine-scenarios-for-sanctions-and-likely-economic-impact-on-russia-ukraine-and-the-eu-p-6044.html>
- Boute Anatole. (2022). Shaping the Eurasian Gas Market: The Geopolitics of Energy Market Regulation. doi.org/10.1080/14650045.2022.2094778
- Ho Eom Gu. (2022). Impact of the Ukrainian War on South Korea's diplomacy in Central Asia. /doi.org/10.1177/18793665221124814
- Kukkola Juha & Matti Puranen.(2022). The Eurasian security system: A preliminary framework for understanding the emerging Sino-Russian relationship. Seminaaripaperi Kansainvälisten suhteiden tutkimuksen seuran konferenssissa 6-7.5.2022.
- Samvel Gohar. Sedrakyan.(2022). Ukraine war-induced sanctions against Russia: Consequences on transition economies. Journal of Policy Modeling. Available online 6 August 2022. doi.org/10.1016/j.jpolmod.2022.08.003. <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/18793665221124814>

<https://carnegieendowment.org/sada/87457>

<https://www.iiss.org/events/2022/05/the-war-in-ukraine-and-its-wider-impact-on-the-eurasia-region>

<https://www.csis.org/events/war-ukraine-geopolitical-implications-eurasia>

<https://ridl.io/how-the-ukraine-war-could-disrupt-eurasia-s-power-balance/>

<https://thediplomat.com/2022/07/russia-ukraine-war-implications-for-asian-geo-economics/>